

Analytical Study of the Educational History of Hazrat Zainab (PBUH) in Order to Compile a Model of Moral Education for Girls

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Fereshteh Salami ¹
Saeed Beheshti ^{2*}
Masoumeh Samadi ³

How to cite this article

Fereshteh Salami, Saeed Beheshti, Masoumeh Samadi, Analytical Study of the Educational History of Hazrat Zainab (PBUH) in Order to Compile a Model of Moral Education for Girls, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(3): 133-144.

1. Department of Philosophy of Education, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Research Institute of Studies, Education and Science and Research University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: s-beheshti@srbiau.ac.ir

Article History

Received: 2021/06/08
Accepted: 2021/11/18
ePublished: 2021/12/21

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this research is to analyze the educational history of Hazrat Zeinab (PBUH) in order to develop a desirable theoretical model for the moral education of girls.

Materials and Methods: Considering its topic, this research is among applied research and its method is comparative qualitative content analysis.

Findings: The most important findings of the research, including the most important foundations, are: monotheistic nature, human dignity, wisdom, courage, the attraction of beauty and virtue, the effect of the outer veil on the inner, guideability and purposefulness of man. And the most important goals are: reaching growth and perfection, purity and good life, acquiring moral virtues, self-refining, the spirit of patience, fostering responsibility. Also, the most important principles are: honesty and integrity, chastity, readiness to fulfill the role of wife and mother, trust, inner transformation, self-respect, responsibility, neglect and sacrifice. And at the end, the most important methods are: raising awareness of the single origin and resurrection, benevolence, debate, telling moral stories, honoring, generosity, good nature, sitting with good people and following their example.

Conclusion: Zainab Kobri is one of the prominent educational and moral figures of the Islamic world, so we can prepare a very good example of her educational life, especially for the moral education of girls.

Keywords: Educational History, Moral Education of Girls, Model

بررسی تحلیلی سیره تربیتی حضرت زینب (س) به

منظور تدوین الگوی تربیت اخلاقی دختران

فرشته سلامی^۱

گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سعید بهشتی^{۲*}

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

معصومه صمدی^۳

دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات، آموزش و پرورش و دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی تحلیلی سیره تربیتی حضرت زینب (س) به منظور تدوین الگوی نظری مطلوب تربیت اخلاقی دختران است.

مواد و روش ها: این پژوهش با توجه به موضوع آن، در زمره تحقیقات کاربردی و روش آن تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی است.

یافته ها: مهم ترین یافته های پژوهش شامل مهم ترین مبانی عبارت اند از: فطرت توحیدی، کرامت انسانی، خردورزی، شجاعت، جذبهی حُسن و فضیلت، اثرگذاری حجاب ظاهر بر باطن، هدایت پذیری و هدف دار بودن انسان. و مهم ترین اهداف عبارت اند از: رسیدن به رشد و کمال، طهارت و حیات طیبه، کسب فضایل اخلاقی، تهذیب نفس، روحیه صبر، پرورش مسئولیت پذیری. هم چنین مهم ترین اصول عبارت اند از: صداقت و درستکاری، پاک دامنی، آمادگی برای انجام نقش همسری و مادری، توکل، تحویل باطن، عزت نفس، مسئولیت پذیری، غفلت زدایی و ایثار. و در انتها مهم ترین روش ها عبارت اند از: آگاهی بخشی به مبدأ واحد و به معاد، احسان، مناظره، بیان داستان های اخلاقی، تکریم، سخاوت، خوش خلقی، هم نشینی با نیکان و الگوپذیری از ایشان.

نتیجه گیری: زینب کبری از چهره های برجسته ی تربیتی و اخلاقی جهان اسلام است، لذا می توان الگوی بسیار خوبی از سیره ی تربیتی ایشان مخصوصاً برای تربیت اخلاقی دختران تهیه کرد.

واژگان کلیدی: سیره تربیتی، تربیت اخلاقی دختران، الگو

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

*نویسنده مسئول: s-beheshti@srbiau.ac.ir

مقدمه

بی شک الگوپذیری از مهم ترین روش های یادگیری و اجتماعی شدن فرزندان به شمار می رود. شایان ذکر است که یکی از علل ناهنجاری های اجتماعی و بزه کاری، الگوبرداری نادرست است. نوجوان در این دوره، بیش از حد تحت تأثیر دوستان و هم سالان و افراد بانفوذ است. چنانچه خانه، مدرسه و جامعه (به ویژه از طریق رسانه ها) الگوهای نادرست در اختیار او قرار دهند، فرآیند الگوبرداری نوجوان به طریق نامطلوبی صورت خواهد گرفت. سقوط اخلاق مخصوصاً در دختران زمینه را برای سقوط جامعه فراهم می سازد. اسلام بیش از هر مکتبی به تعلیم و تربیت دختران همت گماشت و تربیت او را به عنوان حقّی ذکر کرد، حتی که برای والدین از دیدی بدهی است و این حق در زمانی مطرح شد که زن در طول تاریخ از تربیت محروم بوده و از این بابت برای او ارزش قائل نبوده اند و تاریخ اسلام نشان می دهد که در سایه این اعطای حق، زنانی پدید آمده اند که در مراتب فضل و کمال به درجاتی رسیده اند و صاحب تخصص و حتی مجتهد شده اند. از جمله این زنان، حضرت زینب (س) بود که با حضور در نهضت کربلا، مسئولیت بزرگی را بر عهده گرفت.

زینب (س) نقش متفاوتی نسبت به زنان عصر خود به تصویر کشید و تأثیر بسزایی بر جامعه ی خود داشت که این نشان از بلوغ فکری و تربیتی و تأثیرگذاری ایشان بود، اما سؤالی که مطرح می شود این است که چرا امروز دختران و زنان مسلمان با وجود الگویی کامل نظیر زینب (س) نتوانستند نقش تعیین کننده ای در تربیت اخلاقی جامعه ی خود داشته باشند.

سیره ی تربیتی حضرت منبعی غنی برای استخراج آموزه های تربیتی به ویژه تربیت اخلاقی است و با مطالعه ی آن می توان نکات تربیتی ارزشمندی را استخراج کرد و در اختیار مربیان قرار داد. در تربیت اخلاقی دختران باید آسیب های هر عصری مورد توجه و عنایت قرار گیرند. از این رو در پژوهش حاضر هدف این است که پاسخی برای این مسئله بیابد که: با توجه به نقایص و مشکلاتی که در امر تربیت اخلاقی دختران در کشور ایران وجود دارد، چه الگوی مناسبی را می توان در این زمینه از سیره ی تربیتی حضرت زینب (س) تدوین کرد؟ درباره ی سیره ی زینب (س) از سوی اندیشمندانی چون علامه نقدی، دکتر بنت الشاطی و دیگر محققان، تألیفاتی صورت گرفته است. لیکن محقق در باب موضوع این تحقیق به پژوهشی دست نیافته است. در دوران اخیر آثاری هست که غیر مستقیم به موضوع این پژوهش پرداخته است:

رستمی و آقایی (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «نقش حضرت زینب از منظر خانوادگی و اجتماعی»، و در بخش نخست که به نقش تربیتی حضرت اختصاص داده شده است، آمده است، او بزرگ شده ی این مکتب است که از کودکی در مقابله با آماج بلاها و غم ها مانند کوهی ایستاده و درس آزادگی را به همگان می آموزد. او است که بر طبق وصیت مادر، وظیفه ی همراهی با برادر خویش را به خوبی انجام می دهد. (۱)

شمشیری (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان «تربیت دختران در آئینه روایات معصومین (ع)» به بررسی روش های تربیت دختران در

الف - دوست: دختران به دلیل برخورداری از روحیه‌ی حساس و عاطفی اگر در انتخاب دوست اشتباه کنند و دوست آن‌ها فردی گمراه و گناه‌کار باشد، آن‌ها نیز به سمت و سوی گناه و انحراف کشیده می‌شوند.

ب - مجالس لهو و لعب: روایات مختلفی از پیامبر (ص) و امامان (ع) درباره‌ی اجتناب از شرکت در جلسات گناه نقل شده است و عاقلان از شرکت در مجالسی که رنگ و لعاب بی‌دینی و فسق بر چهره دارد، امتناع می‌کنند.

ج - بی‌تجربگی و ساده‌لوحی: گاهی اعتماد بی‌جا و بی‌تجربگی و ساده‌لوحی دختران را تباه می‌کند به گونه‌ای که دیگر راه بازگشت برایشان نمی‌ماند.

د- عشق و عاشقی: پدران و مادران، باید بکوشند دختران خویش را با معنای راستین عشق آشنا نمایند و از پیامدهای هوس‌های زودگذر آگاه سازند (۸).

نقش الگویی مادر خیلی مهم است و مادر وظیفه دارد دخترانش را به پاکی و عفت سوق دهد و باید مراقب اخلاق او باشد که فاسد نشود و عفت و کرامت او را زیر نظر داشته باشد (۹).

حضرت زینب (س)

حضرت زینب، دختر امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) است که سال پنجم یا ششم هجری در مدینه متولد شد. وی همسر عبدالله بن جعفر بود و در واقعه‌ی کربلا با دو فرزندش در کنار برادرش امام حسین (ع) حضور داشت. فرزندان در این جنگ به شهادت رسیدند. با پایان یافتن جنگ، وی و دیگر بازماندگان کاروان امام به اسارت درآمدند و به کوفه و از آن‌جا به شام برده شدند. خطبه‌های او در کوفه و شام (در مجلس یزید)، معروف است. وی در سال ۶۲ قمری درگذشت (۱۰).

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین مبانی تربیت اخلاقی مستخرج از سیره‌ی تربیتی حضرت زینب (س)

منظور از مبانی تربیتی، توانمندی‌ها و ویژگی‌هایی است که اساس و پایه‌ی الگویی برای نظام تعلیم و تربیت‌شده، و اصول و روش‌ها را در جهت اهداف سامان می‌دهد. در هر «مبنا» یکی از ویژگی‌های عمومی‌انسان مورد بحث قرار می‌گیرد. (۱۱)

۱- بهره‌مندی انسان از فطرت توحیدی

حضرت زینب (س) چکیده و سلاله‌ی طیب و طاهر پنج‌تن آل عبا و اهل کسا بود و تربیت‌اش توحیدی، تعلیم‌اش توحیدی و در پرتو عنایات و افاضات «موحدان کامل»، از علی (ع) و فاطمه (س) و در معیت پایدار موحدان راستین چون امام حسن و امام حسین (ع) بوده است؛ پس ممکن نیست که وی توحیدشناس و توحیدمدار نباشد.

۲- کرامت انسانی

زینب بانویی بزرگوار از دودمان پاک رسالت و اهل بیت (ع) است و کرامات بسیاری از ایشان نقل شده است. علامه سید شرف الدین فرموده: «بزرگوار، کریم، اصیل و نجیب‌تر از زینب دیده نشده است. وی آیتی از آیات الهی بود». (۱۲)

روایات معصومین پرداخته است. محقق در نهایت نتیجه گرفته که در روایات اسلامی ملاحظات هم‌چون میانی، اهداف و اصول تربیتی ویژه‌ی دختران و تفاوت‌های جنسیتی مد نظر قرار گرفته و روش‌های تربیتی مناسب معرفی شده است. برخی از این روش‌ها عبارت است از: آموزش عینی و عملی، تعاون و همکاری، تغافل، تکرار و تمرین و ... که به دو دسته روش‌های معطوف به علم و روش‌های معطوف به عمل تقسیم شده‌اند تا اجرای آن به واقعیت نزدیک باشد. (۲)

زارعی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «زینب الگوی سلامت روان» در صدد بوده نگرش زینب را به واقعه‌ی کربلا، از دیدگاه شناختی بک، مورد بررسی قرار دهد و با رویکرد توصیفی تحلیلی، سخنان حضرت را در خلال حادثه کربلا استخراج نماید. سپس با تبیین آن بر اساس سه مؤلفه‌ی اساسی نظریه‌ی شناختی بک، اسوه‌بودن حضرت را ترسیم نماید. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که براساس این سه مؤلفه، حضرت یک الگوی تربیتی موفق سلامت روان و کنترل تکانه است که می‌تواند به عنوان یک الگوی کارآمد، در زمینه‌ی مدیریت اختلالات پس‌ضربه‌ای و داغ‌دیدگی معرفی گردد. (۳)

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به موضوع آن، در زمره‌ی تحقیقات کاربردی و روش آن تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی است.

معنای لغوی سیره

سیره از کلمه‌ی «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه‌ی سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت می‌باشد. (۴)

مفهوم تربیت اخلاقی

«تربیت اخلاقی» به معنای چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعدادهای درونی انسان جهت رشد و تثبیت صفات پسندیده‌ی اخلاقی به منظور انجام رفتارهای پسندیده‌ی اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است؛ به طوری که این ویژگی‌ها برای انسان به صورت ملکه درآید. (۵)

علت‌ها و بسترهای انحراف دختران

علت‌های انحراف دخترهای جوان را باید در بسترهایی گوناگون پی جست در این‌جا سه بستر را به بررسی می‌نهیم: ۱- اجتماع؛ ۲- خانواده؛ ۳- فرد. (۶)

۱- اجتماع

آدمی در اجتماعی که مردمانش با فرهنگ، با اخلاق و دین دارند، صالح می‌شود، اما در جامعه‌ای که جرم آفرین است و مردمانی بی‌فرهنگ و بی‌اخلاق دارد، به گمراهی رهنمون خواهد شد.

۲- خانواده

نظامی که بیش از همه بر فرد احاطه دارد و رفتارهای او را شکل می‌دهد نظام خانواده است. رفتارهایی که در رابطه با سایر اعضای خانواده بروز می‌کند، منحصر به رفتار بهنجار نیست، بلکه رفتار نابهنجار را هم خانواده شکل می‌دهد (۷).

۳- فرد

از آنجا که مخاطب پژوهش حاضر، دختران جوان‌اند، جا دارد تأثیر خود فرد را در درست‌کاری و بزه‌کاری به بحث نهیم و از این ره‌گذر راهی روشن در فراروی جوان باز نماییم.

۳- خردورزی

یکی از ویژگی‌های انسان و بلکه تمایز او با سایر مخلوقات، قوه‌ی تعقل او است و انسانیت انسان با این ملاک به منصه‌ی ظهور می‌رسد. هم‌چنین از جمله القاب زینب «عاقله» است. (۱۳)

مقام علمی او بالا است، پهلوی به پهلوی عصمت می‌زند و در رتبه‌ای قریب به ولایت برادران است. او دائماً سرگرم جمع‌آوری دانش و فضیلت بود و به شأنی رسید که به گفته‌ی بسیاری از صاحب‌نظران و از جمله ابن حجر، به نقل روایات و احادیث می‌پرداخت.

به گفته‌ی سیوطی او زنی خردمند و تیزبین بود که برای او قدرت ادراک و استنباطی قوی بود. (۱۴)

به دلیل توانمندی بالای ادراکی و عقلانی، حضرت «عقیله‌ی بنی‌هاشم» نام گرفته است.

۴- شجاعت

از ویژگی‌های عظیم حضرت، «شجاعت» است، شجاعتی بسان علی (ع) که در قیام کربلا سخت مورد نیاز بود. خطبه‌های افشاگرانه‌ی ایشان بر ضدّ دستگاه امویان و گفتار کوبنده‌اش در فرصت‌ها برای دفاع از نهضت حسینی، و صلابت بی‌نظیر ایشان در کوفه و شام، همه بیانگر شجاعت ایشان است. حضرت آن هنگام که سوء قصد دشمن را به جان امام سجاد (ع) می‌بیند، چون کوهی استوار در برابر آن‌ها می‌ایستد و خطاب به آن‌ها می‌فرماید: «به خدا او را نخواهید کشت تا اینکه مرا بکشید». (۱۵) این ویژگی شخصیتی حضرت که شجاعت و شهامت ایشان است در انجام بهینه‌ی مسئولیت‌های آموزشی و تربیتی وی نقش مؤثری داشته است.

۵- جذبه‌ی حُسن و فضیلت

علامه مامقانی نقل کرده: «من زینبی بر زبان می‌آورم و تو هم زینبی می‌شنوی، اما چه می‌دانی که زینب کیست؛ وی عقیله بنی‌هاشم دارای صفات حمیده‌ای بوده است؛ چندان که احدی از زنان جز مادرش دارای چنین صفاتی نبوده و نیستند» (۱۶). زینب ماهی است که از پنج خورشید تابان کسب نور کرده؛ ریشه‌ی پاک، زکاوت سرشار، مربیان بزرگ، و تجربه‌ی حوادث بزرگ جهان، زینب را در عالی‌ترین مراتب انسانیت قرار داد.

۶- اثرگذاری حجاب ظاهر بر باطن

از منظر اسلام، یکی از مهم‌ترین وظایف بانوان، پاسداری در حفظ حریم حجاب و عفت است. زینب برای زنان الگوی حجاب و عفاف است. او بانویی سرشار از بینش و بصیرت بود که با سیره‌ی تربیتی خود، فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی دیروز و امروز را مورد تعرض قرار داد و با این کار، الگویی ماندگار از شخصیت خویش به یادگار گذارد و معیارهای حرکت ارزشی و ضد ارزشی را برای همیشه ترسیم کرد. (۱۷) حضرت در حجاب و عفت، مانند مادرش فاطمه (س) بود و به این مهم بسیار اهمّیت می‌داد. تا پیش از عاشورا و ماجرای اسارت، نامحرمی ایشان را ندیده بود.

۷- اراده‌ی قوی

حضرت زینب در خطبه‌ی شام با دلی مملو از ایمان و توکل به خدا و اعتماد به نفس، در فرازهای آخر، به بازی شگفت‌انگیز روزگار اشاره کرده و با مثال‌هایی مناسب اندیشه‌های غلط طاغوت‌صفتان را توضیح داده و با توکل به خدا به جاودانگی یاد و پیام حماسه‌سازان

عاشورا می‌پردازد و ناتوانی ستمگران را در مقابله با این فرهنگ آسمانی خاطرنشان می‌شود. او در مقابل طاغوت ستمگری که تمام ممالک اسلامی را زیر سیطره‌ی خود دارد چنان با اراده‌ی قوی سخن می‌گوید که ارکان قدرت، او و تمام وجودش را به لرزه در می‌آورد و می‌فرماید: ای یزید! «به‌زودی آن کس که تو را فریب داد و بر گردن مردم سوار کرد (یعنی معاویه) خواهد فهمید که: برای ستم‌کاران عوض بدی در انتظار است و کدام یک از شما جایگاه‌اش بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است». (۱۸)

۸- هدایت‌پذیری انسان

هدایت انسان در جهت سیر الی الله و مکارم اخلاقی مبنای کلیدی است. مرحله‌ی دوّم نهضت حسینی توسط زینب کبری رهبری و هدایت شد. ایشان آنچه را لازم و گفتنی بود در خطبه کوفه و شام خود بیان داشت و با خطبه امام سجاد (ع)، رسالت آنان کامل شد و فرزند معاویه چنان در تنگنا قرار گرفت که در ظاهر، پشیمان شد و جنایت و قتل امام حسین (ع) را به گردن ابن زیاد انداخت و او را در مجلس خود لعنت کرد و گفت: «من به قتل حسین (ع) فرمان نداده بودم، ابن زیاد این کار را انجام داد». (۱۹) کوفیان گرچه به اعمال ناپسندی دست زدند اما حضرت با خطابه‌ی روشن‌گر خود چنان تحولی در آنان ایجاد نمود که نسل‌های بعدی آنان، با الهام از سخنان آن بانوی عصمت به سوی کمال و هدایت گام برداشتند. حضرت بذری را در دل کوفیان پاشید که ثمره‌ی آن در دهه‌های بعدی آشکار شد.

۹- هدف‌دار بودن انسان

نهضت عاشورا با شهادت امام حسین (ع) به هدف پایانی نرسید، بلکه هدایت و رهبری آن به دست با کفایت دختر علی بود. حضرت از جانب برادر این وظیفه را یافته و امام علی (ع) طی وصایای خود مسائل را به ایشان فرموده بود. هدف نهضت حسینی برانگیختن حساسیت مذهبی مسلمانان و بیدار کردن وجدان‌های خفته‌ی آنان بود. زینب با قلبی استوار در میان جمع حاضر شد و با صدای بلند و شیوا اهداف قیام امام حسین (ع) را آشکار نموده و مردم را با صراحت و نفوذ کلام خود به یاد ایام امام علی (ع) انداخت. (۲۰) زینب قهرمان از همان عصر عاشورا، پس از شهادت برادر بزرگوارش رسالت خطیر عاشوراییان را بر عهده گرفت و کوشش بسیار کرد تا بسان برادر، هدف مقدّس او را به منصه‌ی ظهور رساند و به‌راستی چنین کرد. حضرت با وجود سختی‌های فراوان، صبر خویش را از دست نداد و با فداکاری در راه اشاعه‌ی دین اسلام، با مردم کوفه و دمشق سخن‌های بسیار گفت و با برافکندن نقاب از چهره‌ی امویان، تبلیغات ناروای آنان را درباره‌ی خاندان پیامبر بر باد داد و حقایق جنگ سپاه کوفه با سپاه اندک برادرش را متذکر شد. نمود عینی ایمان به هدف در زندگی حضرت متجلی بود به‌طوری‌که در راه رسیدن به هدف، هیچ مصیبت و مشکلی نتوانست سدّ راه او باشد.

مهم‌ترین اهداف تربیت اخلاقی در سیره‌ی تربیتی حضرت زینب (س) «هدف از تربیت اخلاقی در اسلام، افزایش مراتب و درجات قلبی در سایه‌ی معرفت الهی است تا شخص شایستگی لازم را برای تقرّب به خدا به دست آورد». (۲۱)

الف - اهداف غائی

۱ - عبودیت

هر کس به هر درجه و مقامی که نایل شد به برکت عبودیت و بندگی بوده و مرتبه‌ی هر کس را به عبادت و بندگی او باید شناخت. زینب در خانه‌ای پرورش یافت که عبادت، جوهر و زینت زندگی بود و شخصیت آن حضرت در فضای ملکوتی خانه‌ای باصفا و نورانی شکل گرفت؛ آن‌گونه به نماز می‌ایستاد که گویی مادرش به نماز ایستاده است و چنان ناله سر می‌داد که یاد پدر را در خاطره‌ها زنده می‌کرد و در شب زنده‌داری و سجده‌های طولانی، با برادران خویش هم‌اوردی می‌کرد. (۲۲) حضرت به مقام عبودیت رسیده بود و چنان در آن مقام پیش رفته بود که امام حسین (ع) وقتی با او وداع می‌کند، می‌فرماید: «خواهرم! مرا در نماز شب، فراموش نکن». (۲۳) حضرت تمام عمر خود را صرف در عبادت و بندگی نموده، چراکه تمام حرکات و سکنات حیات و ممات‌اش ناشی از عبودیت او بود.

۲ - رسیدن انسان به سعادت و کمال

هدف غایی در نظام تربیتی اسلام، دست‌یابی انسان به رشد و کمال معنوی و قرب الی الله است. «هرکس تاریخ زندگانی و مبارزات زینب را بررسی کند، در می‌یابد که نهضتی که حسین (ع) علیه کفر و ارتداد بر پا کرد، اگر زینب نبود و وظایف سنگین خود را پس از شهادت برادر انجام نمی‌داد و زمام امر را در مراحل اسارت خانواده‌ی پیغمبر در دست نمی‌گرفت، این چنین سازمان نمی‌یافت و آن رستاخیز خونین به چنین نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسید. آری خلود و جاودانگی نهضت حسینی تنها در گرو همت عالی این بانوی بزرگ است که در واقع حلقه‌ی اتصال و پیوند آن فاجعه‌ی بلا با قرون و نسل‌های آینده شده است. (۲۴) زینب اسوه‌ای است که همگان و به ویژه دختران می‌توانند با الهام از وی در زمینه‌های عبادت، علم آموزی، استقامت و پایداری، حجاب و عفاف، صبر و شکیبایی و شجاعت سرمشق بگیرند و به سعادت و کمال برسند.

۳ - طهارت و حیات طیبه

طهارت به این معنای وسیع که شامل اعتقادات و اخلاق و اعمال می‌شود، یک هدف غایی در تربیت اسلامی است. از این‌رو هدف با عنوان «حیات طیبه» نیز یاد شده است. حیات طیبه به معنای زندگی پاک است و هم‌چون طهارت، جمیع شئون انسان را دربرمی‌گیرد، از پاکی و طهارت جسمی گرفته تا فکری، عقلی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی (۲۵).

حضرت زینب پرورده‌ی روح علوی و فاطمی و شاگرد مکتب تربیتی دو انسان کامل و مکمل و قرآن ناطق بود؛ دو انسانی که تربیت شده خاتم الانبیا، رسولان الهی و صاحب دین و شریعت کامل و جاودانه بودند. لذا از حیث حکمت نظری و عملی، از موقعیت ممتاز و برجسته‌ای برخوردار بود و از ظرفیت وجودی بالایی بهره‌مند بود تا بذر کمال تا وصال را در ضمیر و زمین وجود خویش به شجره‌ی طیبه‌ی شناخت و شهود عرفانی بدل سازد که «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ...» (۲۶)

ب - اهداف واسطه‌ای

۱ - تهذیب نفس از رذایل

نفس امّاره و امیال نفسانی همواره یکی از موانع رسیدن انسان به کمال و رشد بوده است. لذا رهایی از این‌ها نیز در زمره‌ی اهداف تربیتی است و انسان باید از طریق مبارزه با نفس امّاره، راه خویش را به سوی اهداف والای تربیتی هموار کند. به قول شیخ جعفر نقدی: «پنج‌تن آل عبا به تربیت و فرهنگ‌سازی و تهذیب زینب همت گماردند و همین بس که آن‌ها ادب‌کننده و آموزگار باشند». (۲۷) بدون تردید از جمله شاخصه‌های تربیتی مکتب حضرت، اخلاق و کرامت‌های انسانی است چرا که اگر اخلاق و تهذیب نفس نباشد هیچ چیز دیگری به درد انسان نمی‌خورد، چرا که با خالق خویش فاصله پیدا می‌کند.

۲ - مطالعه و آگاهی از گذشتگان

درس‌آموزی از گذشته، سلامت حال و آینده را تضمین می‌کند «کسی که از وقایع گذشته عبرت بگیرد، بینا می‌شود و کسی که بینایی پیدا کند، می‌فهمد و کسی که بفهمد، عالم می‌شود». (۲۸) حضرت زینب مؤثرترین نقش را در صیانت از انقلاب امام حسین و تحریف‌زدایی و دشمن‌شناسی داشتند. یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت این بود که پیام شهیدان کربلا را به همه‌جا برساند و راه آن‌ها را دنبال کند و اوج رسالت و آگاهی‌بخشی حضرت را در خطبه‌های ایشان در کوفه و شام می‌بینیم. در خطبه‌ی کوفه، حضرت به مؤاخذه‌ی کوفیان می‌پردازد که اهل بیت و امام زمان را یاری نکردند و در شام، یزید را برای خودش و برای دیگران معرفی می‌کند و در مقابل با استدلال و برهان به معرفی‌خاندان رسالت می‌پردازد.

۳ - فراگیری حکمت

در تاریخ آمده گروهی از مردان کوفه به نزد امیرالمؤمنین آمده و عرضه داشتند: «به زنان ما اجازه بده تا به نزد دخترت آمده و علوم دین و تفسیر قرآن را از وی بیاموزند». حضرت پذیرفتند و زینب شروع به تدریس زن‌ها نمودند. روزی امیرالمؤمنین وارد خانه شدند و شنیدند که زینب به زنان درباره‌ی حروف مقطعه‌ی قرآن و خصوصاً درباره‌ی حروف ابتدایی سوره‌ی مریم «کهیعض» سخن می‌گفت، پس از پایان درس آن حضرت به دختر خود فرمود: «نور چشم‌ام، آیا می‌دانی که این حروف رمز و نشانه‌ای از وقایعی است که در سرزمین کربلا بر تو و برادرت حسین واقع خواهد گردید؟» (۲۹). این شواهد حاکی از جایگاه و ظرفیت علمی ایشان در دریافت علوم شریعت، نشر و پاسداری از آن‌ها است.

۴ - باحیا بودن

پرورش قوه‌ی «حیا» اولین هدف و زمینه‌ساز تربیت اخلاقی می‌باشد و باید اهتمام زیادی در پرورش این قوه در کودکان به کار بست. امام حسین (ع)، آن کس که زینب (س) حیا را در مکتب او آموخت فرمود: «آن‌که دین ندارد، حیا هم ندارد». (۳۰) نکته‌ی مهمی که زینب در مجلس یزید در سخنان سراپا حیا به آن تصریح می‌کند و از آن سخت آزاده است این است که زنان یزید پوشیده‌اند، و حرمت و حیای آن‌ها محفوظ، ولی او و زنان اهل بیت در معرض دید نامحرمان، به همین جهت نمی‌گویند زنان تو در کاخ و اسیران در کوخاند با زنان تو سیر و اسیران گرسنه‌اند، بلکه تنها و

تنها بر حجاب و حفظ حرمت و حیا اصرار دارد که این خود می‌تواند بزرگترین درس برای دختران و بانوان جامعه‌ی ما باشد که در هر حال مرز حیا را حفظ و حریم حرمت خویش را پاس دارند، و بر مهاجمان مرز حیا و عفت فریاد بزنند و در مقابل آن‌ها در هیچ‌حالی ساکت نباشند، حتی اگر در بند و اسیر باشند.

۵- کسب فضایل اخلاقی

یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت اخلاقی، کسب فضایل اخلاقی است، چنان‌که پیامبر هدف بعثت خود را تکامل و کمال کرامت‌های انسانی و اخلاقی می‌داند. (۳۱) حضرت زینب (س) به اعتراف همه‌ی تاریخ‌نویسان، آراسته به همه‌ی فضایل و خصلت‌های والای اخلاقی و الهی بودند. زینب کبری (س) در وقار و شخصیت مانند جدّه‌اش خدیجه در حیا و عفت هم‌چون مادرش فاطمه (س)، در رسایی و شیوایی بیان، مانند پدرش امام علی (ع)، در حلم و بردباری چون امام حسن (ع) و در شجاعت و قوت قلب، مانند امام حسین (ع) بود.

۶- پرورش روحیه‌ی صبر و مقاومت در برابر سختی‌ها

زینب (س) نمونه‌ی عالی صبر و پایداری است. صبر زینب (س)، از گونه‌ی صبر انبیا است، صبر هدف‌دار و صبر جمیل است، صبر که ملائکه‌ی آسمان از آن به شگفت آمدند و بلکه او جمیل الصبر است (۳۲). مقاومت و شکیبایی در برابر مصایب و مشکلات، به‌ویژه در نهضت عاشورا، در راه پاسداری از حریم دین و کرامت انسانیت از خصیصه‌های بارز این بانوی بزرگ می‌باشد زیرا از ۵ سالگی برای وی مصایب جان‌کاه یکی پس از دیگری شروع شد؛ ولی زینب در برابر همه‌ی این مصیبت‌ها، قامت برافراشت و صبر کرد.

۷- پرورش احساس مسئولیت‌پذیری

از حضرت زینب (س) باید به عنوان بانویی مسئولیت‌پذیر نام برد که نقش بی‌بدیلی در حماسه‌ی حسینی داشته است. برخی از نقش‌ها و مسئولیت‌های ایشان به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: صیانت از انقلاب امام حسین (ع) و تحریف‌زدایی و افشای ماهیت دشمن، تقویت روحی اهل بیت امام و دیگر همراهان ایشان، پیام‌رسانی و رسوایی یزیدیان و آگاهی‌بخشی مردم، نقش حضرت در هدایت مدبرانه و حفاظت از اسراء و دل‌داری به ایشان، نقش حضرت در حمایت از ولایت و در ثبت تاریخ عاشورا.

مهم‌ترین اصول تربیت اخلاقی در سیره‌ی تربیتی حضرت زینب (س) اصل معیار و قاعده‌ی کلی است که با در دست داشتن آن، می‌توان در رویارویی با وضعیت پیچیده‌تر و تازه‌تر با نظر به اقتضای معیار به ابداع روش‌های تربیتی مناسب اقدام کرد. بنابراین، اصول بر مبنای تکیه دارد. (۳۳)

۱- صداقت و درست‌کاری

چنان‌چه در القاب زینب می‌باشد، ایشان در سلسله‌ی صدیقین به شمار بوده است. توضیح این اجمال آن‌که، باید دانست اولاً «صدیق» مبالغه در صدق است؛ یعنی کسی که تمام حرکات و سکنات و اقوال و افعال او مبنی بر راستی و درستی است، و صدیقه منصبی است الهی که هر کسی دارای آن منصب جلیل نباشد بلکه اشخاص معدودی از جمله حضرت یوسف و ابراهیم به این منصب رسیده‌اند. (۳۴) چون مادرش فاطمه زهرا به صدیقه‌ی کبری مشهور بود، به وی صدیقه‌ی صغری می‌گفتند.

۲- عفت‌پیشگی و پاک‌دامنی

زینب در پاسداری از عفت و عصمت سرآمد دختران روزگار بود. وی با الهام از پیام آسمانی قرآن و طبق آموزه‌های پیامبر (ص) و اهل بیت حجاب و عفاف را مانند گوهری ارزشمند برای یک زن مسلمان می‌دانست و بر این باور بود که زن هنگامی به خدای خود نزدیک‌تر است که خود را از معرض دید مردان بیگانه — به غیر موارد ضروری — حفظ نماید. (۳۵) عفت و پاک‌دامنی، دست‌آورد حیای زینب است و حیای ذاتی‌اش می‌طلبید که در اوج عفت و پاک‌دامنی باشد، چرا که بارزترین ثمره و پی‌آمد حیا، عفت و پاک‌دامنی است.

۳- آمادگی برای انجام نقش همسری و مادری

زینب در دامن مادری تربیت شده بود که درس زندگی را احتیاج به آموختن نداشت زیرا زندگی مادرش فاطمه خود به تنهایی آموزگاری صامت بود، او می‌دانست پیروزی‌های چشم‌گیر پدرش در میدان رزم، در کانون با صفا و صمیمیت آن‌ها به دست مادرش شالوده‌ریزی می‌شد. او می‌دید که اگر پدرش علی (ع) در جبهه‌ها با شمشیر جنگ می‌کرد مادرش در خانه جهاد می‌نمود تا جهاد پدرش ثمربخش باشد. مدیریت او در خانه عبدالله بن جعفر و رسیدگی کامل به حوائج و خواسته‌های همسر از امور قابل توجه و درخور دقت است. شخصیت زینب در خانه‌ای شکل گرفت که نور ایمان در آن می‌درخشید و سرشار از صفا و صمیمیت و آکنده از معنویت و عشق به خدا بود و به تربیت دینی و فضائل اخلاقی دست می‌یابد. زینب در این راستا هم‌چون مادرش زهرا به این نکته‌ی مهم، دقت و توجه کامل داشت، از این رو فرزندان نمونه‌ای تربیت کرد و دو پسرش محمد و عون آن‌چنان دارای روحیه‌ی عالی شهادت‌طلبی بودند که همراه و هم داستان با کاروان عاشورائیان شدند.

۴- توکل

توکل و خدامحوری عنصر لاینفک زندگی زینب است. ایشان ابراهیم‌وار از حسین که از جان‌اش عزیزتر است می‌گذرد و در حالی که جان‌اش از فقدان برادر بی‌قرار است با نگاه به پیکر خونین برادر می‌گوید: «پروردگارا این قربانی را از ما قبول کن». زینب عارفی وارسته است که همه‌ی جهان را جلوه‌گاه حق می‌داند و از همین‌رو در اوج مصائب جز زیبایی چیزی نمی‌بیند. بنابراین آن هنگام که ابن زیاد او را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌پرسد نظرش در مورد کار خدا با برادر و اهل بیتش چیست می‌فرماید: «جز زیبایی چیزی ندیدم». (۳۶) از دیدگاه زینب خداوند برترین پشتیبان است.

۵- عزت نفس

زینب اقتدار و عزت خویش را در دامن زهرا و از تربیت پدر بزرگوارش به دست آورده بود. در عین حال زینب بعد از کربلا با زینب قبل از کربلا متفاوت است یعنی زینب بعد از کربلا یک شخصیت و عظمت بیشتری دارد. (۳۷) او زینب دیگری می‌شود به گونه‌ای که در غل و زنجیر اسارت از آن چنان اقتدار و عزتی برخوردار است که احدی در مقابل او شخصیتی ندارد. مهم‌ترین عوامل استوارکننده‌ی عزت و اقتدار در وجود مقدس حضرت عبارت‌اند از: توکل و اتصال به سرچشمه‌ی عزت و اقتدار، صبر در مصائب، شجاعت، حق‌گرایی و بی‌نیازی جستن از خلق.

۶- تغییر و تحول باطن

خطابه‌ی زینب در سال ۶۱ هجری، روح ایمان را دوباره در کوفیان زنده کرد و آن زحمات در پنجاه سال بعد ثمره داد. هم‌چنین سخنان زینب و سایر اهل بیت و افشگری‌های آنان، اوضاع دمشق را عوض کرد و مردم را بیدار ساخت، یزید را منفعل و متاثر نمود و او را مجبور کرد که قیافه‌ی حق طلبانه به خود بگیرد و گناه این کار را به گردن این و آن بیاندازد و ابن زیاد و عمر بن سعد و دیگران را مقصر قلمداد کند. تأثیر کلام حضرت زینب که برخاسته از منطق و عقلانیت اسلامی و مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی ایشان بود، به حدی رسید که یزید ملعون را دچار تحوّل عمیق در تغییر عقیده‌های وی نمود و این خصوصیت در بیان حضرت زینب، باعث شد تا پیام عاشورا و کربلا برای همیشه در ذهن تاریخ جاری باشد و این نشان از عمق اندیشه‌های پاک آن حضرت دارد.

۷- ایثار و فداکاری

در ایثار هم می‌توان گفت درجه‌ی بالاتر از ایثار جان نیست و زینب این مراتب از ایثار را دارا بود چنان‌چه در صحنه‌های متعدّد حاضر شد حتّی جان‌اش را در راه امام سجّاد فدا کند. او برای حفظ جان دیگران، خطر را به جان می‌خورد و در تمام صحنه‌ها، دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. او در ماجرای کربلا حتّی از سهمیه آب خویش استفاده نمی‌کرد و آن را نیز به کودکان می‌داد. (۳۸)

امام سجّاد سبب نشسته‌نافله خواندن حضرت را ضعف ایشان بیان می‌دارد و می‌فرماید: «در یکی از منازل نگران شدم که چرا عمّه‌ام زینب نشسته به نافلة اشتغال دارد، سبب این ضعف را پرسیدم گفت: «سه شب است که سهم غذایی خود را به اطفال خردسال می‌دهم و امشب از نهایت گرسنگی قدرت ایستادن روی پایم را ندارم». (۳۹) آری فداکاری و ایثار حضرت زینب در تاریخ ماندگار و جاودانه است و باید سرلوحه‌ی زندگی تمام دختران مسلمان دنیا قرار بگیرد.

۸- غفلت‌زدایی

مردم عصر امام حسین در زندگی روزمره و در مادیات چنان غرق شده بودند که حجاب غفلت در برابر دیدگان‌شان قرار گرفته بود و در برابر امام معصوم عصر خود به میدان نبرد آمدند. حضرت زینب در شرایطی سخن گفتن را آغاز کرد که جامعه به خواب غفلت فرورفته بود. حضرت برای تحقق آرمان‌های امام حسین و برای احیای امر به معروف و غفلت‌زدایی از جامعه‌ی اسلامی بسیار تلاش کرد و خطبه‌های ایشان در کوفه و شام بیان‌گر آن است. او کوفیان را به یاد مرگ و قیامت می‌اندازد و سرزنش‌کنان نبوّت و امامت را به‌خاطر دل‌های غبارگرفته و گوش‌های غفلت‌زده‌ی آنان می‌کوبد که چگونه می‌خواهید این لکّه‌ی ننگ را از دامان خود بشوید در حالی که جگرگوشه‌ی رسول خدا (ص) را کشتید؟ سخنرانی زینب کبری و برملاکردن وضع و حال و جریان، مردم را به وضع خود و حکومت خود آشنا کرد. آتشی از خصومت و کینه در درون‌شان به‌وجود آورد که حاصل آن ابراز نفرت علنی و آشکار به خاندان بنی‌امیه و لعن و تکفیر آنان و تبری از آنان بود.

مهم‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی در سیره‌ی تربیتی حضرت زینب (س) چیست؟

جهت پیاده‌شدن اصول، به روش‌های عملی نیاز است، که از آن‌ها به عنوان روش‌های تربیتی یاد می‌شود. (۴۰)

الف - روش‌های سلبی

۱- پرهیز از معاشرت با صاحبان رذائل و نامحرمان سودجو در تاریخ آمده برای حرکت‌دادن اهل بیت از کربلا با فرمان عمر سعد مردانی دور زنان را گرفتند تا ایشان را بر شتران بدون زیرانداز و پرده سوار کنند. چون زینب این اوضاع را دید فرمود: «ای پسر سعد آیا به مردان خود فرمان می‌دهی ما را که یادگارهای پیامبر خدا هستیم سوار کنند؟ به آنان بگو از ما دور شوند، ما خود یک‌دیگر را سوار می‌کنیم». (۴۱)

حضرت زینب و دیگر بانوان حاضر در کربلا در طول مدت جنگ، هرگز در برابر مصیبت‌های جان‌سوز اختیار از دست ندادند و از حریم عفاف خارج نشدند. حتی پس از شهادت امام حسین و هجوم لشکر غارت‌گر به خیمه‌ها، زنان و دختران حرم اهل بیت تمام سعی و تلاش خویش را صرف حفظ حجاب و کرامت خویش نمودند. بنابراین تلاش زینب در جهت حفظ کرامت و عفاف خویش و دیگر زنان و دختران و پرهیز از معاشرت با صاحبان رذائل و نامحرمان سودجو از یک‌سو و خطابه‌های آتشین و رسواگر از دیگرسو خود حماسه‌ای است در کنار حماسه‌ی سیّد الشّهداء در کربلا.

۲- نه گفتن به هواهای نفسانی

در صحنه‌ی عاشورا، کسانی چون زینب حضور داشتند که اهل جهاد با نفس بودند و هیچ هوا و هوس در انگیزه‌ی آنان دخیل و شریک نبود. از همین‌رو، بر جاذبه‌های مال، مقام، شهوت، عافیت و رفاه، ماندن و زیستن، نوشیدن و کامیاب شدن و ... پیروز شدند. حضرت با اسوه‌پذیری از خاندان عصمت و طهارت به این درک از جایگاه ممتازش در عالم هستی رسید و تجسّم زهد، ورع، عفاف و اخلاق الهی و یکی از اسوه‌های دین اسلام شد. ایشان توانستند با تزکیه و تهذیب نفس، خود را به عالی‌ترین درجه‌های کمال و صفات پسندیده برسانند. سربلندی این بانو در آزمون‌های بزرگ الهی که بزرگ‌ترین‌اش در روز عاشورا نمود پیدا کرد، نتیجه‌ی تهذیب و تزکیه‌ی نفس بود که توانستند بر همه‌ی مصائب و مشکلات فائق آیند.

روش‌های ایجابی

الف- روش‌های ایجابی

۱- آگاهی‌بخشی به مبدأ واحد

یکی از نمونه‌های بارز انسان خدا آگاه، زینب می‌باشد. بی‌شک همه‌ی کمالات حضرت در کل، علاوه بر بیان ابعاد مختلف شخصیت ایشان، به درجه‌ی بالای خداشناسی او دلالت دارد. در همان دوران کودکی، پدر بزرگوارشان به او فرمود: «دخترم! بگو: یک» زینب گفت: «یک». آن‌گاه علی (ع) فرمودند بگو: «دو» در این لحظه زینب سکوت کرد. چون سکوت ایشان طول کشید پدر فرمودند: «دخترم! سکوت کردی؟» عرض کرد: «پدرجان با زبانی که گفته‌ام یک، توان دو گفتن را ندارم». امیرمؤمنان از این پاسخ بسیار عمیق دخترشان خیلی خوشحال شدند و او را که در این حال طفلی بیش نبودند، مورد

تفقد و محبت قرار دادند. (۴۲) چون کلمه‌ی واحد در ذهن زینب دارای پس زمینه‌ای است که همان خدا است که در اداره‌ی جهان هستی هیچ دوئی ندارد.

۲- آگاهی بخشی به مرگ و معاد

حضرت زینب در این باره می‌گوید پدرش علی (ع) در آخرین شب زندگی‌اش که در خانه‌ی دخترش زینب مهمان بود بی‌قرار و بسیار در حالت ذکر بود. سپس پدر بعد از مدتی عبادت فرمود: «کمر را برای ملاقات با مرگ محکم ببند که حتماً مرگ با تو ملاقات خواهد کرد و چون مرگ به نزد تو آمد مبادا که از آمدنش جزع و زاری کنی. چرا که زمانه همان‌سان که تو را خندانند، به گریه نیز خواهد انداخت. (۴۳)

همچنین حضرت در خطبه خود خطاب به مردم غفلت زده کوفه فرمودند: «چه بد توشه‌ای برای آخرت فرستاده‌اید؛ توشه‌ای که همان خشم و سخط خدا است و در عذاب جاویدان خواهید بود». خطبه‌های حضرت جز در بیان مقام توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت نبود، او حتی فروع دین را در سخنان خویش جای داده بود.

۳- بیان داستان‌های اخلاقی

تحقیقات تربیتی ثابت کرده اند داستان‌های با محتوای اخلاقی نقش مهمی در تربیت اخلاقی دارد. به عنوان نمونه در تاریخ آمده، که روزی زینب آیات قرآن را تلاوت می‌کرد، علی (ع) نزد او آمد، ضمن پرسش‌هایی، با اشاره و کنایه، گوشه‌هایی از مصائب زینب را که در آینده رخ می‌داده، به آگاهی او رسانید. زینب عرض کرد: من قبلاً این حوادث را که برایم رخ می‌دهد، از مادرم شنیده بودم (۴۴). بنابراین، می‌توان گفت داستان، هم آگاهی و بصیرت اخلاقی متربی را رشد می‌دهد و هم افزون بر آن، گرایش‌ها و انگیزه‌های مثبت اخلاقی را در او می‌پرورد.

۴- مناظره

نمونه‌ی بارز این روش که در تاریخ آمده است، مناظره‌ی حضرت زینب با ابن زیاد است. نکته مهم این است که این مناظره و سخنان عبیدالله و زینب دو جریان فکری است که بعد از رحلت پیامبر به وجود آمده است. زینب در مناظره می‌گوید، من به دنبال جمیل‌ام. خودم جمیل‌ام و مظهر جمال. خدا جمیل بود کار کربلایش هم جمیل بود. اما طرف او در مناظره چه می‌گوید؟ می‌گوید من قدرت دارم، قادرم، قدرت‌نمایی می‌کنم. من انتقام پدر و احد را از شما می‌گیرم. بنابراین اگر بگوییم در مناظره زینب عرفان اسلامی و زیبایی در مقابل زشتی تجلی کرده است درست است. داستان کربلا داستان تجلی کمال در مقابل سقوط است. در یک طرف ادب، هنر، کمال و فضیلت گذاشته شده است و در طرف دیگر قلدری، فساد، بی‌اخلاقی، بی‌بند و باری و ردیلت خود را به نمایش گذاشته است.

ب- روش‌های پرورش گرایش‌ها و عادت‌های مطلوب اخلاقی

۱- هم‌نشینی و معاشرت با نیکان و الگوپذیری از ایشان

یکی از الگوهای نمونه به‌خصوص برای دختران و بانوان، حضرت زینب می‌باشد. زینب از همان دوران خردسالی مورد توجه بسیار پیامبر (ص) بودند و هم‌چنین پدر و مادر زینب از همان دوران آیات قرآن و تفاسیر این آیات را به ایشان آموزش می‌دادند نکته‌ای که در این میان باید مورد توجه قرار گیرد بلوغ فکری و رشد افراد در این

خانواده است که همین باعث می‌شود حضرت به یک زن مسلمان مؤمن و مبارز تبدیل شود. آنچه وی از مادر خود می‌دید و الگو می‌گرفت عبارت بود از: پارسایی، مواسات، ایثار، انفاق در راه خدا و اطعام مسکین و یتیم و اسیر بود. وی شاهد احترام متقابل میان مادر و پدر و صبر بر سختی زندگی و تلاش در راه تحصیل رضایت پروردگار بود. بنابراین عمل به روش هم‌نشینی و معاشرت با نیکان و الگوپذیری از ایشان در ساختن شخصیت متربیان نقش به‌سزایی دارد.

۲- احسان

یکی از الگوهای که این روش تربیتی در سیره‌ی تربیتی او به کار گرفته شده حضرت زینب می‌باشد. او بعد از شهادت مادر، روحیه بخش پدر و برادران بود. در شهادت برادرش امام حسن نقش مهمی را برای تسلا‌ی بازماندگان ایفا کرد. اما محبت امام حسین و زینب علاقه‌ای متقابل و استثنایی بود. دوستی امام حسین برای خواهر، تنها از سر عاطفه نبود، بلکه این محبت از جهان غیب و ملکوت سرچشمه می‌گرفت. گرمی عشق امام حسین در جان زینب آمیزه‌ای از ایمان، عشق، عاطفه و شعور بود و جوشیدن چنین محبتی در سامان بخشی قیام عاشورا بسیار کارساز شد. پس از شهادت امام حسین و در طول دوران اسارت، این صفت نیکوی زینب بیشتر ظهور کرد. او پیوسته یاور غم‌دیدگان و پناه اسیران بود، از گودی قتل‌گاه تا کوچه‌های تنگ و تاریک کوفه، از مجلس ابن زیاد تا ستم‌کده‌ی یزید، در همه‌جا فرشته‌ی نجات اسرا بود و به ایشان محبت و احسان می‌نمود.

۳- امر به فضیلت‌ها و نهی از ردیلت‌ها

حضرت زینب در سخنان و خطبه‌های گهربارش از این روش تربیتی بسیار استفاده کرد. به‌عنوان نمونه، خطاب به مردم کوفه فرمود: «چه بد توشه‌ای برای آخرت فرستاده‌اید؛ توشه‌ای که همان خشم و سخط خدا است و در عذاب جاویدان خواهید بود. گریه می‌کنید؟ زار می‌زنید؟ آری به خدا سوگند که باید گریه کنید، پس بسیار بگریید و کمتر بخندید. چرا که دامان خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده‌اید که ننگ و پلیدی آن را از دامان خود تا ابد نتوانید شست». وظیفه و رسالت حضرت از کربلا آغاز شد و تبلیغ دین و اخلاق از جمله وظایف و رسالت‌های ایشان بود که پس از کربلا انجام دادند و ما هم باید این موضوع را به عنوان امر به معروف و نهی از منکر در زندگی خود پیاده کنیم.

۴- تکریم و احترام

حضرت زینب که تربیت‌یافته‌ی مکتب تربیتی پیامبر، امیرالمؤمنین و حضرت زهرا بود به‌خاطر فضایل و مناقبش مورد تکریم و احترام همگان بود. زینب هنگامی که بر پدر خود وارد می‌شد، امام از جای بر می‌خاست و ایشان را با احترام زیاد در جای خود می‌نشاند. هم‌چنین زینب نزد امام حسن و امام حسین از منزلت و احترام ویژه‌ای برخوردار بود. اما محبت و احترام امام حسین و زینب علاقه‌ای متقابل و استثنایی بود. هم‌چنین زینب برای کاهش فشارهای روانی و جسمی، و حفظ سلامت روانی و شخصیتی دیگران و به‌خصوص اسرا و اهل بیت، نیکوترین تعامل عاطفی را با آنان برقرار

همه‌ی زمان‌ها مطرح است که می‌توان با بررسی ابعاد وجودی آن حضرت، الگوی مناسبی را برای دختران و بانوان مسلمان امروز ترسیم کرد.

پژوهش‌گر با تبیین الگوی تربیت اخلاقی از سیره‌ی تربیتی حضرت زینب (نمودار ۱) سعی کرد در این امر به دختران کشور خود کمک کند. هم‌چنین پژوهش‌گر یافته‌های حاصل از این پژوهش را با یافته‌های پژوهش‌های زیر مقایسه کرد.

رستمی و آقایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش حضرت زینب از منظر خانوادگی و اجتماعی»، در بخش نخست که به نقش تربیتی حضرت اختصاص داده شده که ایشان از کودکی در مقابله با آماج بلاها و غمها مانند کوهی ایستاده و درس آزادگی را به همگان می‌آموزد. اوست که بر طبق وصیت مادر، وظیفه‌ی همراهی با برادر خویش را به خوبی انجام می‌دهد. در مقایسه‌ی یافته‌های این تحقیق با پژوهش حاضر، محقق به این نتیجه رسید که گرچه در هر دو پژوهش نقش تربیتی حضرت مورد بررسی قرار گرفته و شباهت‌هایی وجود دارد، ولی در پژوهش حاضر محقق سعی کرده تا الگویی برای تربیت اخلاقی دختران تبیین کند و از این نظر متفاوت است.

شمشیری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت دختران در آئینه روایات معصومین (ع)» به بررسی روش‌های تربیت دختران در روایات معصومین پرداخته و در نهایت نتیجه گرفته که در روایات اسلامی ملاحظات مهم چون مبانی، اهداف و اصول تربیتی ویژه دختران و تفاوت‌های جنسیتی مد نظر قرار گرفته و روش‌های تربیتی مناسب معرفی شده است که به دو دسته‌ی روش‌های معطوف به علم و روش‌های معطوف به عمل تقسیم شده‌اند تا اجرای آن به واقعیت نزدیک باشد. محقق بعد از مقایسه‌ی یافته‌ها دریافت که گرچه این دو پژوهش هر دو به تربیت دختران در سیره‌ی معصومین پرداخته‌اند و از این نظر وجه اشتراکی دارند ولی چون پژوهش حاضر به طور خاص به سیره‌ی حضرت زینب پرداخته و الگویی تبیین کرده از این نظر دو پژوهش متفاوت‌اند.

زارعی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «زینب الگوی سلامت روان»، درصدد بوده نگرش زینب را به واقعی کربلا، از دیدگاه شناختی بک، مورد بررسی قرار دهد و با رویکرد توصیفی تحلیلی، سخنان حضرت را در خلال حادثه‌ی کربلا استخراج نماید. سپس با تبیین آن بر اساس سه مؤلفه‌ی اساسی نظریه‌شناختی بک، اسوه‌بودن حضرت را ترسیم نماید. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که براساس سه مؤلفه‌ی اساسی نظریه‌شناختی بک، حضرت یک الگوی تربیتی موفق سلامت روان و کنترل تکانه است که می‌تواند به عنوان یک الگوی کارآمد، در زمینه‌ی مدیریت اختلالات پس‌ضربه‌ای و داغ‌دیدگی معرفی گردد. در مقایسه‌ی یافته‌های این تحقیق با پژوهش حاضر، محقق به این نتیجه رسید که گرچه در هر دو پژوهش حضرت به عنوان الگویی نمونه معرفی شده ولی در پژوهش اولاً زینب به عنوان الگوی سلامت روان معرفی شده ولی در پژوهش حاضر به عنوان الگوی تربیت اخلاقی دختران شناخته شده است. ثانیاً چون زارعی براساس نظریه‌ی شناختی بک تحقیق کرده، یافته‌هایش با یافته‌های پژوهش حاضر که از سیره تربیتی حضرت

می‌کرد. با آن‌ها ارتباط کلامی، احساسی قوی و محترمانه داشت و در تمام صحنه‌ها، دیگران را بر خود مقدم می‌داشت.

۵- وادارسازی خود به رفتارهای پسندیده
حضرت زینب همواره خود و دیگران را به رفتارهای پسندیده توصیه می‌کرد و خودش پیشقدم در انجام آن بود و مثلاً در حجاب و عفت و پاک‌دامنی نمونه بود و تن او را در زمان پدرش و دو برادرش کسی از مردان تا کربلا ندید. و زینب در صبر و شکیبایی، ثبات و ایستادگی، نیروی ایمان و تقوا و اطاعت و فرمان‌بری از خدا یگانه بود و زینب در فصاحت و رسایی سخن، گویی از زبان امیرالمؤمنین سخن می‌گفت. هم‌چنین اگر صدیقه‌ی صغری نبود هر آینه امام حسین پاره‌ای از بار سنگین پیشوایی را روزگاری که امام سجاد بیمار بود بر او واگذار نمی‌نمود، و پاره‌ای از وصایای خود را به او وصیت نمی‌کرد و امام سجاد او را در بیان احکام و آنچه که از آثار و نشانه‌های امامت است، جانشین خود نمی‌گرداند.

۶- خوش‌خلقی
حضرت زینب نمونه‌ی خوش‌خلقی بوده و به جهت اخلاق نیکوی خود در نزد همگان از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بودند. مرحوم سید شرف الدین درباره‌ی اخلاق و فضایل زینب می‌گوید: «گرامی‌تر از او از جهت اخلاق دیده نشده است ... آیه‌ای از آیات الهی در فهم و پاکی روح و ... بود ...». (۴۵) هم‌چنین نمونه‌ی بارز خوش‌اخلاقی زینب، دل‌داری دادن ایشان به خانواده‌ی شهدا و به‌خصوص یتیمان و دل‌داری وی به امام سجاد است.

۷- سخاوت و بخشندگی
«ابن اثیر» می‌نویسد: «زینب در فصاحت و فضیلت و ... و سخاوت شبیه‌ترین مردم به پدر و مادر خود بود». (۴۶)
جود و سخاوت حضرت زینب گفتنی نیست. روزی علی (ع) مستمندی را به خانه آوردند تا از او پذیرایی کنند. وقتی از حضرت فاطمه (س) پرسیدند که آیا در خانه چیزی برای پذیرایی هست، حضرت فرمود که که به غیر از مختصر غذایی که برای زینب کنار گذاشته‌اند، چیزی وجود ندارد. در این لحظه زینب که چهار سال بیش‌تر نداشت، گفت مادر جان غذای مرا به مهمان بدهید. (۴۷)
انسانی که هستی خود را در راه خدا بذل نمود و فرزندان از جان عزیزتر خود را در راه خداوند انفاق نمود. در راه شام و کوفه، نان خود را به اطفال و کودکان اسیر عطا و خود گرسنه به‌سربرد.

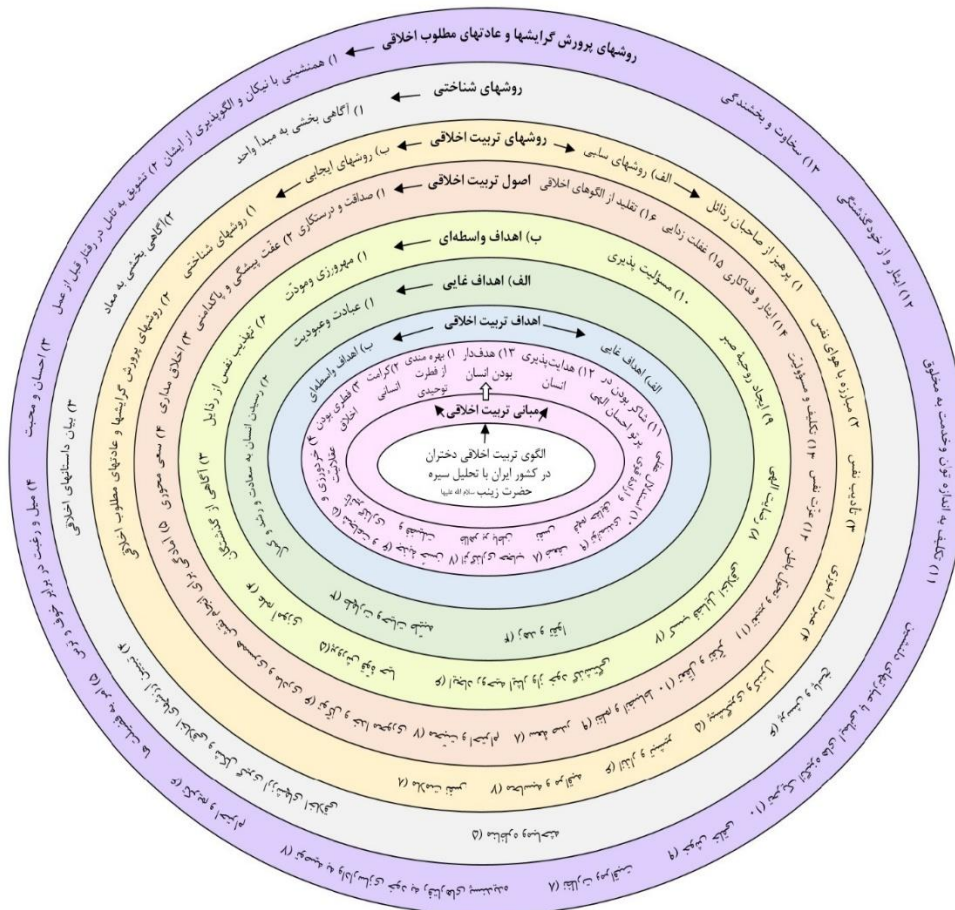
نتیجه‌گیری
سقوط اخلاق سقوط انسانیت، وصل شدن به ذلت و عامل انحطاط است و مخصوصاً در دختران زمینه را برای سقوط جامعه فراهم می‌سازد. آن‌چه در جامعه‌ی امروز نمود فراوان دارد سرگردانی دختران و الگوبرداری آنان از برنامه‌های وارداتی فرهنگ غرب است که بخشی از این واقعیت تلخ ناشی از عدم تبیین برنامه‌های تربیتی قرآن و اهل بیت و فقدان برداشت‌های صحیح و متناسب با نیازهای زمان از این آموزه‌ها می‌باشد. پس باید اسلام یک نمونه و الگو ارائه دهد که ملاک‌ها و معیارهای دختر خوب مسلمان در او کاملاً پیاده شده باشد.

بدون شک زینب کبری یکی از بهترین بانوانی است که به عنوان الگو برای همه دختران و زنان خواهان تربیت اخلاقی صحیح در

استخراج شده متفاوت است و همچنین الگویی طراحی و تبیین نکرده است.

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش شامل مهم‌ترین مبانی عبارتند از: فطرت توحیدی، کرامت انسانی، خردورزی، شجاعت، جذبه حُسن و فضیلت، اثرگذاری حجاب ظاهر بر باطن، هدایت‌پذیری و هدف‌دار بودن انسان. و مهم‌ترین اهداف عبارتند از: رسیدن به رشد و کمال، طهارت و حیات طیبه، کسب فضایل اخلاقی، تهذیب نفس، روحیه صبر، پرورش مسئولیت‌پذیری. همچنین مهم‌ترین اصول عبارت‌اند از:

صداقت و درست‌کاری، پاک‌دامنی، آمادگی برای انجام نقش همسری و مادری، توکل، تغییر و تحول باطن، عزت نفس، مسئولیت‌پذیری، غفلت‌زدایی و ایثار. و در انتها مهم‌ترین روش‌ها عبارتند از: آگاهی بخشی به مبدأ واحد و به معاد، احسان، مناظره، بیان داستان‌های اخلاقی، تکریم، سخاوت، خوش‌خلقی، هم‌نشینی با نیکان و الگوپذیری از ایشان.



نمودار ۱. الگوی تربیت اخلاقی دختران در کشور ایران با بررسی تحلیلی سیره تربیتی حضرت زینب (س).

References

1. Rostami M, Aghaie Z. The Role of H. Zaynab in terms of Familial and Social. *Menhaaj Quarterly*. 2016; 8: 33-54. [Persian]
2. Shamschiri, M. Raising Girls in the Mirror of Infallibles' Narrations. *New Researches in Humanities*. 2016; 9. [Persian]
3. Zarei Toopkhane, M. Zeinab (PBUH) an Example of Mental Health. *Marefat Quarterly*. 2013. 192. [Persian]
4. Ibn Manzur, M. *Lisān al-ʿArab*. Beirut: Dar Saad; 1993. 6: 399. [Arabic]
5. Deylami A, Azarbayjani M. *Islamic Ethics*. Qom: Daftar e Nashr e Ma-aaref; 2006. 19. [Persian]
6. Akbari, M. Girls, Advices and Warnings.11. Qom: Golestan e Adib; 2002. 91. [Persian]
7. Sanaee Zaker, B. *Family Pathology. Educational Research*. 1991; 1: 77-96. [Persian]
8. Akbari, M. Girls, Advices and Warnings.11. Qom: Golestan e Adib; 2002. 92. [Persian]
9. Sharīf al-Qarashī, B. *Al-Nizam al-tarbawi fi al-Islam*. Beirut: Dar Al Kutub Al Islamiyah; 1999. 102. [Arabic]
10. Ibn Asakir Dameshghi, A. *History of Damascus*. 41. Beirut: Dar al-fekr; 1994. 521. [Arabic]
11. Bagheri, Kh. *A Revisionist Look at Islamic Education*. Tehran: Madrese; 2007. 1: 89. [Persian]
12. Sharaf al-Dini, A. *Wisdom of Revelation*. Qom: Dalil e Maa; 2007. 169. [Persian]
13. Jazayeri, N. *Qualities of H. Zeinab (PBUH)*. Qom: Holy Mosque of Jamkaran; 2014. 99. [Persian]
14. Nabavi, K. *The Life of Zeinab Kobra*. Qom: Rashid; 2013. 177. [Persian]
15. Muqarram, A. *Maqatal al-Ḥusayn*. Qom: Basirati; 2012. 371. [Arabic]
16. Nabavi, K. *The Life of Zeinab Kobra*. Qom: Rashid; 2014. 169. [Persian]
17. Majlesi, M. *Bihar al-Anwar*. Qom: Islamiyeh; 2007. 45: 134. [Persian]
18. Paknia Tabrizi, A. *Lessons from H. Zaynab (PBUH)*. Qom: Farhang e Ahl e Bayt; 2017. 109-111. [Persian]
19. Elahi Bootekar, H. *Zaynab (PBUH) The Sage Woman of Bani Hashim*. Tehran: Cultural Institution of Afarineh; 1996. 244-245. [Persian]
20. Nabavi, K. *The Life of Zeinab Kobra*. Qom: Rashid; 2014. 170. [Persian]
21. Sadat, M. *Islamic Ethics*. Tehran: Samt; 1994. 33. [Persian]
22. Mahallati, Z. *Rayahin Al- Sharia*. Tehran: Dar Al Kutub Al Islamiyeh; 1989. 3: 79. [Arabic]
23. Emadzadeh, H. *infallibles Life Series*. Tehran: Tolou'. 53-93. [Persian]
24. Azizi, A. *Imam Hussein through the Eyes of Morteza Motahhari*. Qom: Salat; 2016. 1421. [Persian]
25. Bagheri, Kh. *A Revisionist Look at Islamic Education*. Tehran: Madrese; 2008. 1: 77-78. [Persian]
26. Qur'an, Al-A'raf. Verse 58. [Arabic]
27. Naqdi, J. *Zeinab Kobra*. Qom: Razi; 1983. 20. [Persian]
28. Qomi, A. *A translation of Safinat al-Bihar*. Tehran: Aqiq; 2014. 146. [Persian]
29. Jazayeri, N. *Qualities of Zeinab (PBUH)*. Tehran: Mihaan; 1997. 68. [Persian]
30. Muhammadi ray Shahri, M. *Imam Husain Encyclopedia Based on Qur'an*. Qom: Darolhadith; 1998. 2: 717. [Persian]
31. Shariatmadari, A. *Islamic Education*. Tehran: Amirkabir; 2011. 166. [Persian]
32. Nabavi, K. *The Life of Zeinab Kobra*. Qom: Rashid; 2013. 286. [Persian]
33. Bagheri, Kh. *A Revisionist Look at Islamic Education*. Tehran: Madrese; 2007. 1: 88. [Persian]

34. Jazayeri, N. Qualities of H. Zeinab (PBUH). Qom: Holy Mosque of Jamkaran; 2014. 64. [Persian]
35. Paknia Tabrizi, A. Lessons from H. Zaynab (PBUH). Qom: Farhang e Ahl e Bayt; 2017. 25. [Persian]
36. Sayyed Ibn Tawus, A. Turning to Good Deeds. Qom: Daftar e Tablighat e Eslami; 2015. 3: 176. [Persian]
37. Motahhari, M. Husaynian Epic. Tehran: Sadra; 1996. 52. [Persian]
38. Nabavi, Kh. The Life of Zeinab Kobra. Qom: Rashid; 2013. 265. [Persian]
39. Mahallati, Z. Rayahin Al- Sharia. Tehran: Dar Al Kutub Al Islamiyeh; 1989. 3: 62. [Persian]
40. Bagheri, Kh. A Revisionist Look at Islamic Education. Tehran: Madrese; 2008. 1: 247. [Persian]
41. Sayyed Ibn Tawus, A. Turning to Good Deeds. Qom: Daftar e Tablighat e Eslami; 2015. 3: 189. [Persian]
42. Naqdi, J. Zeinab Kobra. Qom: Heydariye; 1999. 349. [Persian]
43. Qazvini, M. Zeinab Kobra. Qom: Payam e Mqaddas; 2014. 46-47. [Persian]
44. Muhammadi Eshtehardi, M. Zeinab Shiny Blaze of Kowsar. Tehran: Borhan; 2000. 30. [Persian]
45. Bohrani, A. Al-Avalem, Al-Imam Al-Husayn. Qom: Imam Mehdi School; 1986. 11: 949. [Arabic]
46. Sadeqi Ardestani, A. Zeinab The Hero Daughter Of Ali. Tehran: Motahhar; 1993. 392. [Persian]
47. Nabavi, Kh. The Life of Zeinab Kobra. Qom: Rashid; 2014. 260. [Persian]